

جریان اخوان المسلمین در خاورمیانه

سید محمد ذوالفقاری^۱

چکیده:

اخوان المسلمین مصر یکی از با نفوذترین جنبش‌های اسلامی معاصر بیش از پنجاه سال است که با وجود سرکوب دولتی و تضادهای داخلی بقای خود را حفظ کرده است. تاریخ پر فراز و نشیب و پرونده عملی این جنبش نشان دهنده آن است که اخوان و اندیشه‌هایش ظرفیت بالائی برای ماندگاری و تاثیرگذاری در منطقه دارد. با توجه به این مطلب این سوال مطرح می‌شود که موقعیت کنونی این جنبش با توجه به رویدادهای نیم قرن اخیر چه فرصتهایی را برای ما بوجود می‌آورد؟

نگارنده در این مقاله بر آن است تا با معرفی جنبش اخوان المسلمین، اندیشه و جریان‌های تحت تاثیر آن، ظرفیت‌های موجود و قابل بهره برداری آن را بررسی کند. البته در کنار وجود زمینه‌های همکاری با این جریان موانعی نیز هست که به آن هم پرداخته خواهد شد.

کلمات کلیدی: اخوان المسلمین، حسن البنا، نظام اسلامی، حکومت اسلامی، جریان‌ها.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی که تأثیرات شگرفی بر مصر و چندین کشور اسلامی دیگر دارد جریان، «**اخوان المسلمین**» است. این سازمان در شرایطی که مصر از نظر سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی در وضعیتی بحرانی قرار داشت، تشکیل گردید و تلاش خود را برای حاکمیت تعالیم اساسی اسلام در زندگی اجتماعی و سیاسی آغاز کرد و تصمیم گرفت معتقدات اسلامی را از حالت ایستا و خمودگی خارج نماید. [عنایت، ۱۳۵۸: ۲۴۱]

این جنبش در کشورهای مصر، لبنان، سوریه، فلسطین، قطر، سودان و بسیاری از کشورهای دیگر موثر بوده و توانسته است، الگویی برای جنبش‌های اسلامی در این کشورها ارائه دهد. در ایران نیز این جمعیت الهام بخش گروهی به عنوان جمعیت اصلاح و دعوت شده است که در مناطق کرد نشین غرب کشور فعالیت می‌کنند. حضور پر رنگ و عمیق تفکر اخوان المسلمین در کشورهای اسلامی و منطقه ضرورت شناخت این جنبش را افزایش می‌دهد.

ما در این نوشتار بر آنیم تا شناخت خود را از اندیشه اخوان افزایش دهیم و برخی جریان‌های تحت تاثیر این جنبش را بشناسیم.

شکل‌گیری اخوان المسلمین

مؤسس اخوان المسلمین، حسن البناء در اکتبر ۱۹۰۶ م در ناحیه بحیره از شهر کوچک محمودیه در شمال غربی قاهره متولد شد، پدرش شیخ احمد عبد الرحمن البنا الساعتی امام جماعت محل و معلم مسجد بود که در زمان شیخ محمد عبده در الازهر تحصیل کرده بود. حسن در هشت سالگی تحصیلاتش را در یک مکتب‌خانه آغاز کرد، در دوازده سالگی در یک مدرسه مقدماتی (دبیرستان) مشغول به تحصیل شد و در آنجا به انجمن‌های مذهبی پیوست و در «انجمن رفتار اخلاقی» و «انجمن جلوگیری از منکرات» عضو شد. در همان زمان با جلسه ذکر در محفل صوفیانه برادران حصافیه آشنا گردید، به عقیده برخی محققان این محفل الگویی بود که مطابق آن بعدها اخوان المسلمین طرح‌ریزی گردید.

حسن در چهارده سالگی در مدرسه مقدماتی تربیت معلم دامنه‌ور ثبت‌نام کرد اما در ۱۹۲۳م تربیت معلم را ترک کرده و وارد دارالعلوم قاهره شد^۱. ورود البنا به قاهره با بحران‌های سیاسی و فکری بویژه در دهه بیست مصر مصادف بود. او بدنبال راهی برای درک علل جدایی مسلمین از دین و تعالیم آن بود. و معتقد بود انجمن‌هایی مثل حصافیه و انجمن تعالی روح که در قاهره با آن آشنا شده بود، در این راه ناکارآمد و عاجزند. [میشل، ۱۳۸۷ ج ۱، ۹۴] وی در مورد گسست نسل جوان و دانشجویان از فرهنگ خویش و حقایق اسلام بسیار نگران بود و اعتقاد داشت آینده هر ملت و هر ایدئولوژی در دست نسل جوان، طلبه، دانشجویان و روشنفکران قرار دارد؛ لذا عمده فعالیت‌های خود را متوجه این قشرها کرد. وی بر آن بود همان‌طور که در انقلاب‌های چپی، کادر انقلابی از طبقه پرولتاریا برمی‌خیزد، در انقلاب اسلامی نیز برای پیشبرد اهداف باید، مستضعفین را مورد توجه قرار داد. به تعبیری اخوان المسلمین از روش توده‌ای برای جذب اعضا استفاده می‌کند. [حسینی، ۱۳۸۱، ۱۷۶] وی در مساجد، مراکز فرهنگی و عمومی مثل قهوه خانه‌ها درباره مسائل ایدئولوژیک اسلامی سخنرانی می‌کرد و کسانی را که تحت تأثیر حرف‌های وی قرار می‌گرفتند به جلسات خصوصی دعوت می‌کرد و از همین افراد کادر اصلی را برای سازمان انتخاب می‌نمود. [نقوی، ۱۴۰۱: ۴۹] توجه حسن البنا به انحراف و دوری جوانان تحصیل کرده از شیوه اسلامی، او را بر این داشت تا با شخصیت‌های دینی و غیر دینی مشورت کند، و در این راه با افرادی همچون رشید رضا و احمد تیمور پاشا آشنا گردید. او معتقد بود زمان، زمان عمل است. در سال آخر دارالعلوم مقاله‌ای نوشت که چنین آغاز می‌شد:

«به گمان من بهترین مردم آن‌هایی هستند که سعادت خود را در سعادت‌مند کردن و راهنمایی دیگران می‌دانند.»

البنا در ۱۹۲۷ در بیست و یک سالگی از دارالعلوم فارغ التحصیل شد و در وزارت فرهنگ مصر مشغول به آموزش عربی در دبیرستانی در اسماعیلیه در منطقه کانال سوئز شد، و در ۱۹ سپتامبر ۱۹۲۷ قاهره را به سوی خانه جدید و شغل جدیدش ترک گفت. حسن البنا پس از ورود به اسماعیلیه نقش فعالی بر عهده گرفت و با تدریس و سخنرانی در مجامع عمومی توانست با شخصیت‌ها و چهره‌های مذهبی شهر آشنا شود. او در کنار تدریس روزانه در دبیرستان در برنامه‌های کلاس شبانه به آموزش اولیای اطفال هم مشغول بود. تاثیر استعمار و حضور اشغالگران انگلیسی و اختلاف سطح

۱. دارالعلوم در سال ۱۸۷۳ بنیانگذاری شده و به عنوان اولین تلاش در جهت تدریس علوم جدید در کنار علوم دینی و سنتی محسوب می‌گردید.

زندگی میان آن‌ها که کاخ نشین بودند و کارگران آلونک نشین، قلب حسن را سخت به درد می‌آورد.

در ذی القعدة ۱۳۴۷ (مارس ۱۹۲۸) طبق گفته البنا شش کارگر اردوگاه محل به دیدن او آمدند، و با سخنان ایشان در واقع بنیاد اخوان المسلمین به طور رسمی نهاده شد. نام گروه توسط البنا این‌گونه انتخاب شد:

«ما برادرانی در خدمت اسلام باشیم پس اخوان المسلمین هستیم.» [میشل، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۰۰] در ابتدا فعالیت‌های اخوان جنبه نیمه مخفی داشت و برای گسترش جنبش از جزوه، نامه، سخنرانی و ملاقات‌های شخصی استفاده می‌کردند. [حسینی، ۱۳۷۵: ۳۲] دهه ۱۹۲۰ م که حسن البنا جنبش خود را بنیان نهاد، افکار سیاسی اسلام بین اندیشه‌های سه مکتب در نوسان بود:

۱ - عناصر محافظه‌کار الازهر یا سنت‌گرایان که هر گونه سازش یا نوسازی جامعه و دگرگونی دین و مذهب را رد می‌کردند.

۲ - حامیان نوسازی یا شاگردان عبده که هدفشان جامعه‌ای بود که دین و سیاست از هم جدا باشد.

۳ - اصلاح طلبان پیرو رشید رضا که خواستار بازگشت به عقاید و اعمال اولین نسل از احکام اسلامی بودند، که در این میان حسن البنا به مکتب سوم تمایل داشت. [آقائی، صفوی، ۱۳۶۵: ۱۹]

فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی حسن البنا را می‌توان در سه مرحله بیان نمود: مرحله اول از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۹ م که تمام سعی و تلاش وی بر کارهای نظری، سخنرانی‌ها، انتشار مجلات و فراگیر شدن نهضت در کشورهای اسلامی بود؛ مرحله دوم از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ م که وی به سازماندهی سیاسی جنبش پرداخت و مرحله سوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ م که دوران اثرگذاری اخوان المسلمین در مسائل اساسی مصر بود که با ترور وی در ۱۹۴۹ م پایان یافت. [ابراهیم محمد، ۱۳۸۵: ۶۵] البنا آثار متعددی دارد که از آن جمله است: رساله‌التعالیم، رساله‌الجهاد، دعوتنا فی طور جدید، بین الامس و الیوم، الرسائل الثلاث (دعوتنا، الی‌أی‌شیء ندعو الناس، نحو النور)، الإخوان المسلمون تحت راية القرآن، مشکلاتنا فی ضوء النظام الإسلامی، العقائد، المناجاة، المأثورات، احادیث الجمعة، الدعوة و الداعیة، و السلام فی الاسلام. [جدعان، ۱۹۷۸: ۵۸۱]

حسن البنا نمودار رهبر فرهنگد (کاریزماتیک) ماکس وبر است که در دوران‌های بحرانی با داشتن پیام رستگاری اجتماعی ظهور می‌کنند. از این منظر که حسن البنا خواسته از جهت رستگاری شخصی، به ماموریتی برای بازگرداندن جامعه به راه صحیح

اقدام کند رهبر الهام بخش اریکسون محسوب می‌شود. [دکمجان، ۱۳۸۳: ۱۵۰]
شعار معروف اخوان المسلمین که بیانگر ایدئولوژی بنیادگرایانه آن‌ها نیز می‌باشد عبارت است از: «خدا غایت ما، پیامبر رهبر ما، قرآن قانون ما، جهاد روش ما، کشته شدن در راه خدا بزرگترین آرزوی ماست.» [حسینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷۰]

اصول اندیشه‌های حسن البنا

اصولی که حسن البنا بر آن‌ها اعتقاد داشت را می‌توان چنین بیان کرد: ۱ - «اجتناب از جدال‌های مذهبی و فرقه‌ای» (از زمانی که جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد حسن البنا و آیت‌الله قمی در تأسیس آن سهیم بودند همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار شد که در نهایت به دیدار نواب صفوی در سال ۱۹۵۴ م. [الوردانی، ۱۳۸۲: ۱۵۲] از مصر منجر گردید.

حسن البنا در مراسم حج ۱۹۴۸ با آیت‌الله کاشانی دیدار کرد و میان آن‌ها تفاهم برقرار گردید [خامه یار، ۱۹۹۷: ۲۱۹] و برخی از دانشجویان شیعه که در مصر تحصیل می‌کردند به جنبش اخوان المسلمین پیوستند [شقاقی، ۱۳۷۵: ۱۶۸]؛

۲ - «سیاست گام به گام»: در نگاه وی جنبش قبل از آن‌که به هدف غایی خویش برسد، باید مراحل تبلیغ، بیان و تفسیر، عمل و نتیجه‌گیری را گام به گام طی نماید؛ [حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷۰]

۳ - «استفاده از نیروهای مختلف برای تحقق اهداف»؛

۴ - «برپایی حکومت اسلامی»: اخوان المسلمین حکومت را برای خود نمی‌خواهد، بلکه حامی کسانی می‌باشد که بتوانند مسؤولیت حکومت را بر عهده بگیرند و قوانین قرآن را اجرا نمایند و اگر چنین فردی پیدا نشد، تشکیل حکومت یکی از برنامه‌های اخوان المسلمین خواهد بود؛

۵ - «مقاومت در برابر تجاوزگران».

رهبران اخوان المسلمین

بعد از ترور بنیانگذار سازمان، دوران بحران و مشکلات این سازمان شروع شد و یکی از علل ناکامی سازمان در این دوره، سیاست طرد و عدم تحمل نظرات بود. در سال ۱۹۵۱ م حسن هضیبی رسماً به عنوان مرشد عام اخوان المسلمین منصوب گردید. برخی از اقدامات وی از قبیل تغییر و تحولات در سازمان، ارتباط وی با فاروق، محدود کردن شاخه مخفی اخوان المسلمین و مخالفت وی با خشونت موجب گردید تعارضاتی در سازمان روی دهد.

هضیبی معتقد بود «دین اسلام دین رحمت است نه ترور و خشونت».[حسینی، ۱۳۸۱: ۱۹۹] در این میان سازمان افسران آزاد تصمیم گرفت با سازمان اخوان المسلمین ارتباط برقرار نماید و بین آنان پیمانی منعقد گردید که اخوان المسلمین همه امکانات خود را در اختیار سازمان افسران آزاد قرار دهد و همکاری بین آن‌ها در سال ۱۹۵۱م. به اوج خود رسید. ناصر و گروه وی برای جلب حمایت توده‌ها بر سازمان اخوان المسلمین تکیه می‌کردند و در مقابل سازمان هم از طریق افسران آزاد به اسلحه و آموزش نظامی دست می‌یافت. هواداران اخوان المسلمین مردم را به نفع انقلاب وارد خیابان‌ها کردند. بعد از پیروزی انقلاب در مصر، تعارضات بین دو طرف پدیدار گردید، اخوان المسلمین از دولت درخواست نمود در جهت اهداف اسلامی، حرکت‌های خود را در جامعه آغاز کند، ولی ناصر معتقد بود دین باید از سیاست جدا باشد و مذهب رابطه فردی بین انسان و خداست و نباید در امور جامعه دخالت نماید. چون هضیبی با اصلاحات ارضی ناصر مخالفت کرد، ناصر آنان را حامی سرمایه‌داری معرفی و اعلام نمود اختلاف وی با اخوان المسلمین به خاطر اجرای احکام اسلام نیست، بلکه منشأ اختلاف موضوع سرمایه‌داری می‌باشد؛ ولی حقیقت این بود که ناصر نمی‌خواست غیر از تشیکلات وی گروه قدرتمند دیگری در کشور باشد.

دولت طبق قانون انحلال احزاب، در ژانویه ۱۹۵۴م. سازمان اخوان المسلمین را منحل و عضویت در آن را غیر قانونی دانست و اتهاماتی به اخوان المسلمین وارد کرد که عبارت بودند از: سکوت هضیبی پس از انقلاب و عدم حمایت از دولت، مخالفت با اصلاحات ارضی، مخالفت اخوان المسلمین با تشکیل گارد ملی و نیروهای رهایی بخش و ملاقات هضیبی با سفیر انگلستان.[نقوی، ۱۴۰۱: ۲۳۴]

در این زمان سه جناح عمده در اخوان المسلمین وجود داشتند:

- ۱ - جناح اول به رهبری عبدالرحمان البناء برادر حسن البناء که طرفدار حمایت از ناصر بودند.
- ۲ - جناح دوم که هضیبی رهبر آن بود و با سیاست‌های ناصر مخالفت داشت.
- ۳ - جناح سوم جناح میانه‌رو و بی‌طرف بود و درصدد تفاهم بین جناح‌ها و دولت بودند.[نقوی، ۱۴۰۱: ۲۴۱]

اخوان المسلمین در مصر به دلیل سوء قصد به جمال عبدالناصر یکبار در ۱۹۵۴م. و یکبار در ۱۹۶۵م. مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند.[عنایت، ۱۳۵۰: ۳۰] در ترور ۱۹۵۴م، حسن هضیبی دستگیر شد و حکم اعدام وی به دلیل پیری، به حبس ابد تقلیل یافت. هر چند که وی اصرار می‌ورزید در این ترور دست نداشته است ولی سازمان مخفی، که جزیی از اخوان المسلمین بود این ترور را انجام داده بود.[حسینی، ۱۳۸۱: ۲۴۸]

اخوان المسلمین دلایل شکست ناصر از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷م را کم توجهی به مذهب در سیاست‌های ناصر می‌دانستند، و این شکست را نشان‌گر کیفر الهی به دلیل جوّ اختناق در مصر و این‌که ناصر با یک دولت بی‌دین (شوروی سابق) متحد شده بود، معرفی می‌کردند.

انور سادات در مواجهه با چپی‌ها، افراد اخوان المسلمین از جمله حسن هضیبی را از زندان آزاد کرد و از آنان برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی دعوت کرد، ولی چون اخوان المسلمین نتوانست نظرات خود را در قانون اساسی وارد کند، مبارزات خود را از طریق پارلمان مصر و وسایل ارتباط جمعی پی‌گیری نمود. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸م. روابط اخوان المسلمین با سادات مسالمت‌آمیز بود؛ ولی بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱م بر اثر انعقاد پیمان صلح بین مصر و اسرائیل از سوی دولت و نیز به دلیل توجه اخوان المسلمین به انقلاب اسلامی ایران این روابط تیره گردید و ترور سادات در سال ۱۹۸۱م به وسیله سازمانی از منشعبین اخوان المسلمین صورت پذیرفت.

در سال ۱۹۸۶م با درگذشت عمر تلمسانی دومین رهبر سازمان اخوان حامد ابونصر جانشین وی گردید. او بعد از تصدی این مقام نامه‌ای در فوریه ۱۹۸۶م به حسنی مبارک رئیس جمهور فرستاد و در آن مسائل داخلی و سیاست خارجی کشور مصر را مورد بررسی قرار داد، پیشنهاداتی به رییس جمهور ارائه کرد و از دولت مصر خواست همکاری خود را با اسرائیل متوقف سازد و خواستار مشارکت بیشتر زنان در امور جامعه گردید. با درگذشت حامد ابو نصر، رهبری این گروه در اختیار مصطفی مشهور قرار گرفت. او نویسنده کتاب «کیفیات یک مبلغ» است که الازهر آن را ممنوع اعلام کرده است. او همچنین در نشریه الشعب، ستون منظمی برای اعلام دیدگاهش داشت. پس از او مامون الهضیبی رهبری اخوان را بر عهده گرفت وی با توجه به اینکه خواهر و سه دخترش تحصیل کرده و دارای درجه دکترا هستند، در موضع‌گیریهای خود در خصوص حقوق زنان، دیدگاه بازتری دارد و یکی از مدافعان سرسخت حق زنان برای کار و اشتغال به شمار می‌آید. [حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۴] و سپس محمد مهدی عاکف و امروز محمد بدیع هشتمین رهبر و به اصطلاح اخوانی‌ها، مرشد عام است.

اندیشه‌های اخوان المسلمین

از منظر حسن البنا، اندیشه‌ی اخوان المسلمین زمانی شکل می‌گیرد که دنیا از نظر فساد عقیده و انحطاط اخلاقی به جایی رسیده که قابل تحمل نیست، غریب‌دگی، فساد اخلاقی، بی‌بند و باری، ستم و... چنان بر جامعه سایه افکنده که غیر قابل تصور است. در چنین شرایطی حسن البنا با نوشتن نامه‌ای به فاروق، راه حل برون رفت از این

نابسامانی و بدبختی را بازگشت به اسلام بیان می‌کند. حتی در حادثه زلزله ۱۹۹۲ قاهره، اخوان المسلمین در ضمن کمک رسانی گسترده به حادثه دیدگان، پوستری را به نمایش گذاشت که روی آن نوشته بود «اسلام راه حل است». [حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۱] مراد البنا از اسلام، اسلام راستین است نه آن اسلامی که دچار تاویل‌های مختلف مسلمانان شده.

البنا معتقد است: اسلام، عقیده و عبادت، وطن و ملیت، دین و حکومت، روح و عمل و قرآن و شمشیر است. به عقیده او اسلام جامع همه نیکی‌های نظام‌های دیگر است، تنها کافی است امت آن را احیا کند.

هدف نهایی اخوان، برپایی نظام اسلامی است و مقصود از نظام اسلامی در واقع برپایی محیط اسلامی خالص است که فرهنگ اسلامی به تمام معنی در آن حاکم شود نه این که تنها دولتی به وجود آید که فقط نام اسلامی داشته باشد. با توجه به این نکته در عمل با کمی اغماض نظام بیانگر تشکیل یک حکومت اسلامی به تمام معنی است. اخوانی‌ها در خصوص این که چگونه می‌توان به حاکمیت اسلام در جهان جامعه عمل پوشید به روش مرحله‌ای اعتقاد دارند. این مراحل به ترتیب عبارتند از:

- پرورش جسمی و روحی تمام مسلمانان، اعم از زن و مرد؛
- ایجاد خانواده‌های اسلامی، از طریق گزینش همسری خوب و مومن و پرورش فرزندان بر اساس تعالیم اسلامی؛
- ایجاد جامعه اسلامی، متشکل از افراد و خانواده‌هایی که با تعالیم اسلامی آشنایند و آن‌ها را در رفتار و کردار خود به کار می‌بندند؛
- ایجاد دولت اسلامی برای جامعه اسلامی؛
- ایجاد خلافت اسلامی از طریق وحدت دولت‌های اسلامی؛
- حاکم کردن اسلام در سراسر جهان. [حسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۰]

مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده نظام اسلامی مد نظر اخوان عبارتند از:

۱- شریعت، اعتبار و کارآیی آن در عصر جدید

از نظر اخوان المسلمین حضور شریعت در زندگی مسلمان یک ضرورت است و التزام به «ما أنزل الله» تکلیف مسلم مسلمان واقعی است. این نکته بسیار مهم است که اخوان شریعت را منحصر به آرای فقهی مذاهب چهارگانه نمی‌داند و این خلط را در اثر عقب ماندگی و پاشیدگی جامعه اسلامی می‌داند. [میشل، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۷]

حسن البناء منابع اساسی تعالیم اسلامی را قرآن و سیره رسول اکرم ﷺ می‌دانست که اولی نیازمند تفسیر است و دومی محتاج تطهیر از انحرافات. [حسینی، ۱۳۷۵: ۱۱۴] به

عقیده اخوان برای هماهنگ کردن نیازهای یک مسلمان و آموزه‌های اسلامی باید باب اجتهاد مفتوح باشد تا مجتهد صاحب نظر بتواند به نیازهای زمانه پاسخ دهد.

۲- مخالفت با جدایی دین از سیاست

از دیدگاه حسن البنا، حوزه سیاست و حوزه دین از یکدیگر جدا نیست و دولت اسلامی هم قدرت دینی را اعمال می‌کند و هم قدرت دنیوی را؛ در اسلام دو قدرت وجود ندارد که در جامعه اسلامی با هم نزاع کنند. قدرت یگانه و یکپارچه است و در دولت تجسم می‌یابد که بر امور دین و دنیا اشراف دارد؛ بنابراین دولت، قدرتی است دارای رویکرد به جامعه و قدرتی است که احکام را اجرا می‌کند، حافظ امنیت و نظم است و عدالت را در بین مردم حاکم می‌کند. [البنا، ۱۹۷۸: ۲۴] حسن البنا می‌دید که مسلمانان عملاً دین را از سیاست جدا کرده‌اند و این جدایی به تعبیر وی «نخستین گام سستی و منشأ فساد» بود. از دیدگاه وی، راهی برای خروج از این وضع جز با برپایی «حکومتی اسلامی» وجود نداشت. به عقیده اخوان «اسلام یعنی دین و دولت». امیشل، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۷۹] وی در انتقاد از کسانی که عنوان می‌کردند نباید وارد مسائل سیاسی گردید، اعتقاد داشت اصولاً هدف اسلام برپایی حکومت اسلامی و استقرار عدالت در جامعه می‌باشد، و دین بدون ورود به سیاست، نمی‌تواند به اهداف اصیل خود دست یابد. اخوان المسلمین از همان آغاز شکل‌گیری خود، «تاسیس دولت اسلامی و پیاده کردن شریعت اسلامی» را به عنوان هدف اصلی دنبال می‌کرده است. مصطفی مشهور رهبر اخوان در پاسخ به این پرسش، که هدف اخوان چیست؟ می‌گوید: قبل از هر چیز ما مسلمانییم و اسلام بزرگترین نعمتی است که خدا به ستایش‌گرانش ارزانی داشته است. اسلام تنها نماز خواندن و خوب رفتار کردن نیست بلکه یک روش فراگیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زندگی است که باید دنبال شود. وظیفه دولت، اجرای این نظام و نیز حمایت از مسلمانان در برابر دشمنان آن می‌باشد. از این رو ما برای تاسیس دولت اسلامی تلاش می‌کنیم. پیشوای ما (حسن البنا) در پی رهایی جهان اسلام از اشغال و سلطه بیگانه، به عنوان گامی در راستای پایه‌گذاری دولتی اسلامی بود و این هدف ما نیز هست. [حسینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷۴] در اندیشه اخوان، نظام اسلامی متشکل از خرده نظام‌های دیگری است که عبارتند از:

الف) نظام سیاسی

سازمان نظام سیاسی و دولت اسلامی بر سه اصل اساسی متکی است:

- ۱- قرآن به عنوان قانون اساسی
- ۲- نظامی شورایی
- ۳- التزام حاکم به تعالیم اسلامی و اراده مردم

حکومتی بر اساس این اصول حکومتی، دادگر و نیرومند است، و با عرف جامعه همگام خواهد بود و مصالح عمومی را تحقق خواهد بخشید. عمل بر اساس شریعت و قوانین اسلامی برای دولت اسلامی ضروری و لازم است. حاکم باید مسلمان، مرد، بالغ، عاقل، رشید، سالم، عالم به فقه اسلامی، عادل، متقی و مدیر باشد، بر خلاف تفکر اندیشمندان سنتی اهل سنت حاکم لازم نیست قریشی باشد. از نگاه اخوان المسلمین، امت یا ملت، منشا واقعی سلطه دولت است، و حسن البنا رابطه زمامدار و ملت را یک قرارداد اجتماعی می‌داند که در آن زمامدار نقش عامل و خادم ملت را دارد، لذا با حکومت موروثی کاملاً مخالف است. در اندیشه اخوان حکومتی که از راه غلبه و زور مثل کودتا به دست آید مشروع نیست و احترامی ندارد.

پیروی از شورا یک امر حتمی و پایه اساسی دولت اسلامی است. شرایط عضویت در شورا از نظر حسن البنا منحصر در دو گروه است:

- ✓ فقها و حقوق دانان
- ✓ رهبران با تجربه

ارکان دولت اسلامی در تفکر اخوان:

- ۱- قوه اجرائیه که شخص حاکم عهده دار آن است؛
- ۲- قوه قانونگذاری با همکاری حاکم و هیئت شورا؛
- ۳- قوه قضائیه: قضاتی که حاکم معین می‌کند و به عنوان مفسر قرآن، دارای استقلال مطلق قضایی هستند؛
- ۴- قوه مالی: مسئول آن را حاکم مشخص می‌کند، هر چند در برابر شورا (مردم) مسئول هستند؛
- ۵- قوه نظارت و اصلاح: هیئت شورا به نمایندگی از تمامی ملت، عهده دار آن می‌باشد. [میشل، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۸۹]

اهداف دولت اسلامی

اندیشه حسن البنا در دعوت به برپایی دولت اسلامی مبتنی بر اهدافی است که وجه ممیز آن به شمار می‌رود:

- نخست، تثبیت رابطه شریعت با دولت یا تثبیت دینی بودن دولت، بی آن که مقصود دولت دینی به معنای غربی‌اش باشد؛
- دوم، تفاوت دولت اسلامی با همه مکاتب قدیم و جدید.

حسن البنا در یکی از نامه‌هایش، اظهار شگفتی می‌کند از این که کمونیسم دارای دولتی است که منادی آن بوده و ترویجش می‌کند و فاشیسم و نازیسم دارای ملت‌هایی هستند که تقدیس‌شان می‌کنند و در راه آن مجاهدت می‌کنند، ولی «حکومتی اسلامی را نمی‌یابیم که به وظیفه دعوت به اسلام - که محاسن همه این نظام‌ها را دارد و فاقد معایب همه آن‌هاست - عمل کند و آن را به عنوان نظامی جهانی که راه حل درست و روشن و بی‌ضرر همه مشکلات بشر در آن است، به دیگر ملت‌ها ارائه و معرفی کند». [البنا، بی‌تا: ۱۲۰]

دولت مورد نظر اخوان، بعد اخلاقی داشت و صفت «صالحه» را برای آن به کار می‌بردند و از به کار بردن عناوینی چون دولت دموکراتیک یا دولت لیبرال و یا حتی دولت شورایی اجتناب می‌کردند. آنان وظیفه دولت را حراست از شریعت با همه امکانات می‌دانند و نوع حکومت در اسلام را چنین تعریف می‌کنند: دولت اسلامی جز بر اساس دعوت بر پا نمی‌شود. دولت اسلامی دولت رسالت است نه تشکیلات، مدیریت و نه حکومت ماده جامد گنگ بی‌روح. دعوت نیز جز در سایه نهاد حمایت‌کننده‌ای که حفظ و ترویج و تقویتش کند پا بر جا نمی‌شود. [البنا، بی‌تا: ۱۲۰]

موضع اخوان در سیاست خارجی

اخوان در سیاست خارجی خود مخالف سرسخت پیشبرد سیاست عادی سازی روابط با اسرائیل بوده، معتقد است تنها راه آزادی سرزمین‌های اسلامی از دست صهیونیست-های اسرائیلی، جهاد مسلحانه است. همچنین اخوانی‌ها موضع مخالفی در قبال سیاست-های دولت برای نزدیکی هر چه بیشتر به ایالات متحده آمریکا دارند. آن‌ها به جای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با ایالات متحده خواهان در اولویت قرار دادن رابطه با کشورهای اسلامی و عربی هستند و از هر گونه تلاشی در این زمینه حمایت می‌کنند. [حسینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷۹]

ب) نظام اقتصادی

فکر اقتصادی اخوان به اعتقاد حسن البنا با رفتار اخلاقی ارتباط تنگاتنگی دارد. این نظریه در حقیقت از بینش اسلامی او سرچشمه می‌گیرد، که اخلاق انسان از روش اقتصادی او جدا نیست. در همین چارچوب عدالت اجتماعی قابل اجرا خواهد بود. به عقیده البنا اقتصاد، اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی یک کل به هم پیوسته است و نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد.

به عقیده اخوان اسلام، اصول کلی را بیان می‌کند، اما نظام و شیوه اقتصادی را به دست خود انسان سپرده تا با ملاحظه شرایط زمان و مکان نظام اقتصادی خود را بسازد. و این آزادی عمل، نظریه اقتصادی اسلامی را در تاریخ بشر ممتاز می‌کند.

به تعبیر حسن البنا: اسلام فعالیت اقتصادی را بدون رعایت اصول اخلاقی نفی می‌کند، و زندگی انسان را یک واحد روحی و مادی منسجم تلقی می‌کند، البته این دیدگاهی است که با نظریات اقتصادی غرب مخالف است.

عدالت اجتماعی که نتیجه اقتصاد اخلاقی است از ارکان دولت اسلامی محسوب می‌شود. [میشل، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۴]

مفاهیمی همچون، مالکیت، کار، حقوق کارگر و کارفرما، ارث، غش، ربا و زکات در اندیشه اقتصادی اخوان برجسته است. [میشل، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۷]

ج) نظام اجتماعی

در اندیشه اخوان یک جامعه سالم بر پایه افراد صالح استوار است. و برای ساختن انسان‌های سالم و صالح آموزش اسلامی بسیار مهم است. طبیعی است تا زمانی که فرد تربیت صحیح و سالمی نداشته باشد، هرگز یک جامعه اسلامی بوجود نخواهد آمد. و اگر خانواده را پایه اساسی سازمان جامعه بدانیم آزادی و سعادت خانواده حتما مرهون سعادت و سلامتی فرد خواهد بود. و همچنین سعادت و موفقیت جامعه رهین خوشبختی خانواده است، در اندیشه اخوان خانواده از جایگاه بسیار مهمی در سلامت جامعه و نظام اجتماعی برخوردار است. در نظام اجتماعی به عدم اختلاط زنان و مردان توجه خاصی شده. [میشل، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۰۷]

جریان شناسی اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین به علت ماهیت آرمان‌گرایانه‌ای که دارد طبیعتاً خود را در مرزهای مصر محدود و محصور نمی‌داند. و به دنبال حضور در کل کشورهای اسلامی می‌باشد. این اندیشه به کنفرانس سوم اخوان در سال ۱۹۳۵، زمانی که استراتژی سیاسی اخوان برپایی دولت اسلامی در همه کشورهای اسلامی و عمومیت دادن دعوت به خارج از مصر با وسائل گوناگون تعیین شد - باز می‌گردد. [محمد ابراهیم، ۱۳۸۵: ۷۳]

در این بخش به اختصار و فراخور این مقاله به جریان شناسی اخوان در فلسطین، سوریه، لبنان، قطر، سودان و ایران می‌پردازیم:

اخوان در فلسطین:

شعبه قدس اولین شعبه‌ای بود که اندکی پس از کنفرانس سپتامبر ۱۹۴۵ بوجود آمد. این شعبه در ۲۶ اکتبر ۱۹۴۵ با نظارت مستقیم دفتر تبلیغ کل در مصر به وجود آمد [محمد ابراهیم، ۱۳۸۵: ۷۵]

تا سال ۱۹۴۷ تعداد شعبه‌ها به ۲۵ و تعداد اعضای آن بر دوازده هزار تا بیست هزار

نفر بالغ شد. مبارزات این گروه پس از دوره‌ای نزول و اهتمام به کار فرهنگی، از سال ۱۹۶۷ م روند صعودی داشته است.

در همین راستا تولد حماس، تحول استراتژیک اخوان المسلمین فلسطین و آغاز مرحله عمل یا جهاد واقعی آنان به شمار می‌رود، که در دوره انتفاضه صورت گرفت. حماس در بیانیه‌ی شماره ۵ در ژانویه ۱۹۸۸، خود را به عنوان یکی از جناح‌های اخوان المسلمین فلسطین معرفی نموده است.

از ابراهیم الیازوری [یکی از رهبران حماس] نقل شده که در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۹۸۷ م ۶ تن از رهبران برجسته‌ی جماعت اخوان المسلمین در نوار غزه، به نام‌های دکتر عبدالعزیز رنتیسی، دکتر ابراهیم الیازوری، شیخ صلاح شحاده، مهندس عیسی النشار، محمد شمعد و عبدالفتاح دخان در منزل شیخ احمد یاسین، برای بررسی حادثه‌ی برخورد یک خودروی اسرائیلی و کارگران فلسطینی و کشته شدن تعداد زیادی از آنها تشکیل جلسه دادند که در نهایت به برپایی قیام «حرکه المقاومة الاسلامیه» یا همان حماس [به رهبری شیخ احمد یاسین] منجر شد. [ابوعمر، ۱۹۹۳: ۸۷]

جنبش حماس برای رسیدن به اهداف خود، فعالیت‌هایی را در نظر گرفته است که در واقع همان الگوئی است که اخوان ارائه کرده، که به مواردی از آن اشاره می‌نمائیم:

- ۱- بسیج مردم در مساجد.

- ۲- فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی، نظیر انتشار بیانیه، جزوه، مراسم بزرگداشت، تظاهرات، تحصن و...

- ۳- فعال کردن نهادهای اجتماعی، نیکوکاری آموزشی، اقتصادی اخوان المسلمین و...

- ۴- مقاومت مدنی از طریق حفظ ابزار سنتی چون انتفاضه، تظاهرات و...

- ۵- عملیات نظامی انتفاضه، مثل جنگ چاقوها [در پایان سال سوم و آغاز سال چهارم حیات حماس به وسیله سلاح‌های سرد توسط مبارزان صورت گرفت]. مقاومت مسلحانه مانند مقاومت [گردان عزالدین قسام شاخه نظامی حماس که در ژانویه ۱۹۹۲ شکل گرفت و عملیاتی چون: عفوله در شمال اسرائیل در تاریخ ۶/۴/۱۹۹۴ م که به قتل ۸ اسرائیلی و زخمی شدن ۵۲ تن انجامید، یا عملیات خضیره در منطقه میانی اسرائیل در تاریخ ۱۷/۴/۱۹۹۴ که به قتل ۶ اسرائیلی و زخمی شدن ۳۰ تن انجامید و... از کارهای این شاخه است].

- ۶- هنر، مثل توزیع نوارهای ودیو، کاست [سرود و...] و برگزاری جشنواره‌های هنری

و... [الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۲۸]

تشکیلات و رهبران حماس

شیخ احمد یاسین رهبر بزرگ و تاریخی حماس در ۲۰۰۴ پس از ادای نماز صبح هدف موشک‌های بالگرد رژیم صهیونیستی قرار گرفت و به شهادت رسید و اکنون اسماعیل هنیه رهبر حماس می‌باشد.

به لحاظ تشکیلاتی، هدایت جنبش به عهده دفتر رهبری است که به نوبه خود تحت نظر مجلس شورا عمل می‌کند و کادرهای اصلی رهبری در جنبش حماس عبارتند از:

۱- دفتر سیاسی حماس که ریاست آنرا دکتر موسی ابومرزوق بعهده دارد و در حال حاضر بعهده خالد مشعل است، ابو مرزوق و مشعل رهبری کادر برون مرزی را بر عهده دارند و محمد شمهه و ابراهیم یازوری و عبد الفتاح دخان رهبران داخل مناطق اشغالی هستند.

۲- دفتر تبلیغاتی به ریاست احمد حمدان.

۳- بازوی نظامی یا شاخه گردان‌های شهید عزالدین قسام. [کرمی، ۱۳۸۷: ۶۴]

جنبش جهاد اسلامی

جنبش جهاد اسلامی، گروه انشعایی از اخوان المسلمین فلسطین در غزه است که تحت رهبری دکتر فتحی شقاقی در سال ۱۹۸۰م (۱۳۵۹ ه.ش) به وجود آمد. شکل‌گیری این گروه، زائیده شکست تفکرهای ملی‌گرایانه، سوسیالیستی و گرایش اخوان المسلمین به اسلام بدون مبارزه می‌باشد. رهبری جهاد اسلامی شورائی است و اسامی رهبران آن به طور رسمی اعلام نشده، اما رهبران آن از نسل اسلام‌گرایان جدید هستند. این گروه تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، به نحوی که شهید فتحی شقاقی - رهبر فقید آن - می‌گوید: ملت مجاهد ما در فلسطین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را به دید تقدیر می‌نگرند و امام خمینی علیه السلام را از رهبران تاریخ اسلام می‌دانند. [کرمی، ۱۳۸۷: ۶۰]

اهداف کلی جنبش جهاد اسلامی در قضیه فلسطین عبارتند از :

- برون راندن اشغال‌گران از سرزمین فلسطین؛
- برپایی دولت فلسطین و اجرای شریعت اسلامی؛
- حاکمیت نظام اسلام در سرزمین آزاد شده. [کرمی، ۱۳۸۷: ۶۰]

اخوان المسلمین در سوریه

اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۴۵م در شهر حلب به وسیله دکتر مصطفی السبّاعی به تأسی از اخوان المسلمین مصر و به منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و سروسامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی و رفع شکاف موجود بین جهان

عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد. [دکمجیان، ۱۳۸۳، ۲۰۲] اما بعداً عواملی چون لزوم همکاری با اعراب در باز پس گیری فلسطین اشغالی و سکنی گزیدن برخی از رهبران و اعضای اخوان المسلمین مصر در سوریه که پس از انحلال آن صورت گرفت، به گسترش فعالیت های اخوان المسلمین سوریه کمک رساند.

هدف اخوان المسلمین سوریه، استقرار یک نظام اسلامی جامع است که برای حصول به این هدف، نخست به ارشاد و موعظه مردم و دولت روی آورد. اما گروهی از اعضای جنبش این روش را بی نتیجه ارزیابی کرده و جهاد علیه دولت را برگزیدند.

بارزترین مشخصه این جنبش در سوریه، مخالفت دائمی آن با دستگاه سیاسی کشور است. از مهم‌ترین جلوه این مخالفت، می توان به درگیری نظامی ۱۹۸۲ م. طرفداران جهاد ضد دولتی در جنبش اخوان المسلمین با نیروهای حکومتی اشاره کرد. طی آن، یک نبرد سه هفته ای در «شهر حما» صورت گرفت که منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از مقامات دولتی و حزبی «حزب بعث سوریه» و نیز سرکوب شدید اعضای جنبش از سوی دولت بعثی سوریه گردید. [دوثرتی، ۱۳۸۵: ۵۵] با این وصف جنبش اخوان المسلمین سوریه تا کنون به علل زیر در سیاست‌های داخلی و خارجی سوریه ایفای نقش می‌کند:

- ۱- وجود اختلاف در اخوان المسلمین بر سر مساله روش مبارزه علیه دولت
- ۲- اقدامات دولت در جهت اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی کشور، نتوانسته است به عنوان یک نیروی مؤثر

اخوان المسلمین در لبنان

جماعت اسلامی لبنان: یکی از شاخه‌های اخوان المسلمین است که در سال ۱۹۴۶م به طور رسمی فعالیت خود را در لبنان آغاز کرد. «فتحی یکن» اولین دبیرکل این جماعت و هدف از تاسیس آن تبلیغ اسلام، مقابله با تمدن غربی و جامعه سازی اسلامی و تلاش برای بازگشت به اصول اصیل اسلامی بود. این جماعت در دهه ۷۰ قرن گذشته در سراسر مناطق سنی نشین لبنان نفوذ خود را توسعه داد بیشتر توجه جماعت اسلامی لبنان به موسسات رسمی دینی بود؛ لذا نمایندگانی را در مؤسساتی مثل شورای عالی اسلامی و اداره اوقاف نصب کرد. این جماعت به تدریج وارد فعالیت‌های سیاسی شد به طوری که در سال ۱۹۷۲م اولین نماینده وابسته به جماعت اسلامی لبنان وارد پارلمان این کشور شد. در جریان جنگ‌های داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ جماعت اسلامی لبنان گروه شبه نظامی موسوم به مجاهدین تشکیل داد تا از مناطق طرابلس، بیروت و صیدا حمایت کند. پس از این جنگ نیروهای وابسته به جماعت اسلامی لبنان سلاح‌های خود

را به نیروهای عربی تحویل دادند و مراکز نظامی خود را تعطیل کردند، اما با حمله ارتش صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ نیروهای وابسته به جماعت اسلامی این کشور مسلح شدند، و تا خروج آخرین نظامی اسرائیلی از جنوب لبنان به مبارزه خود با این رژیم ادامه دادند. از آنجایی که این جماعت به جدایی دین از سیاست معتقد نیست و بر این باور است که اگر فعالیت‌های سیاسی در راستای دفاع از حقوق مردم و بر طرف کردن ظلمی از آنان باشد عبادت محسوب می‌شود، در عرصه سیاسی این کشور حضور فعالی دارد و بعد از ترور رفیق حریری سیاست اعتدال را میان دو جناح اصلی لبنان یعنی ۱۴ مارس و ۸ مارس در پیش گرفت. فتحی یکن دبیر کل این جماعت شخصیتی نزدیک به حزب الله بود. او با همسرش مناد دانشگاه اسلامی جنان در طرابلس را اداره می‌کرد. فتحی یکن در مورخه ۲۰۰۹/۰۶/۱۳ در سن ۷۷ سالگی در گذشت. از او به عنوان یک شخصیت علمی و برجسته‌ی اخوانی در لبنان آثار بسیاری بر جای مانده از جمله:

- ۱ - مشکلات الدعوة والداعیه. ۲- کیف ندعو إلى الإسلام؟ ۳- نحو حركة إسلامیه عالمیه واحده. ۴- ماذا یعنی انتمائی للإسلام؟ ۵- حرکات ومذاهب فی میزان الإسلام. ۶- الاستیعاب فی حیاة الدعوة والدعاة. ۷- نحو صحوة إسلامیه فی مستوی العصر. ۸- المناهج التغبیریه الإسلامیه خلال القرن العشرين. ۹- الإسلام فکرة وحركة وانقلاب.

جماعت اسلامی، نشریه‌ای به نام «مجله الشهاب» را به صورت دو هفته نامه منتشر می‌کرد اما بعدها این مجله از انتشار بازماند. سپس «مجله الامان» از سوی این جماعت منتشر شد که تا کنون به انتشار خود ادامه می‌دهد. ضمناً مدارس الایمان نیز تحت اشراف این گروه است. [حشیشو، ۱۳۸۰: ۷۸]

اخوان در قطر

هجوم سرکوب گرانه عبدالناصر به اخوان المسلمین در سال ۱۹۵۴ بازتاب‌های سیاسی به نفع اخوان المسلمین در جهان غرب و اسلام داشته است، زیرا نخبگان اخوان ناچار به مهاجرت به خارج مصر شدند. جزیره عربی قطر نیز در شمار مناطقی است که اینان بدان مهاجرت کردند. برای مثال عبدالبدیع صقر، شیخ یوسف قرضاوی، عبدالمغیر عبدالستار، احمد العسال و کمال ناجی و چند تن دیگر به این کشور کوچیدند.

این شخصیت‌های اخوانی، با جلسات درس و سخنرانی‌های خود در مساجد وانجمن‌ها، بخش‌هایی از جامعه را شیفته خود ساختند. آنان در تاسیس وزارت آموزش و پرورش و تدوین نظام تربیتی و آموزشی کشور قطر و انتخاب گروه‌های آموزشی در همه مراحل ابتدایی و راهنمایی و متوسطه، نقشی پر رنگ داشتند

از این رو می‌توان گفت مراحل نخست گسترش اخوان المسلمین در قطر در قالب گسترش فکری (و نه جنبشی) بوده است.

چنانکه ملاحظه شد اخوانی‌ها برای رسیدن به هدف خود شیوه تربیتی را پیشه کرده بودند و اقدام تربیتی آن‌ها شکل‌هایی گوناگون داشت که بسیار در خور طبیعت بیابانی جزیره عربی - و طبعاً قطر - بود؛ شکل کوچ، بیابان گردی و چادر نشینی که با فرهنگ عربی آن سامان همخوانی داشت.

نکنه قابل توجه آن است که اخوان المسلمین مصر با دولت، سر ستیز دارد؛ ولی در قطر اخوان با دولت سر آشتی داشت و این تفاوتی بود که راه را تغییر داد.

گروه کوچک اخوان المسلمین قطر از جوانانی تشکیل شده بود که شمارشان از یکصد تن فراتر نمی‌رفت ایشان در نیمه دهه هفتاد بر ضرورت انتخاب مسئولی برای نظارت بر این فعالیت‌ها (تربیتی، تفریحی و برگزاری مراسم) پای می‌فشردند و از همین جا اختلافات درونی سر بر آورد که بیشتر بر آمده از ظریف اندیشی‌های این جریان و صوری بود تا اختلافی عینی و واقعی. زیرا قطر، نیازی به تشکیلات اخوان المسلمین و مانند آن نداشت. چنین ساز و کارهایی در کشوری مانند مصر که جمعیت چند ده میلیونی دارد و شمار زیادی از آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند، قابل فهم است، اما در کشور کوچکی مانند قطر که از کمی جمعیت رنج می‌برد و مردمش در رفاه نسبی قابل قبولی زندگی می‌کنند، قابل درک نیست.

وجود این تفاوت‌ها با ورود نسلی تحصیل کرده به جمع اخوان قطر آن‌ها را به پژوهشی سرنوشت ساز نسبت به ادامه راه تشویق کرد، اخوانی‌های قطری پس از این تلاش پژوهشی در سال ۱۹۹۹ به این نتیجه دست یافتند که تشکیلات اخوان المسلمین قطر را منحل کنند و این تصمیم را در سطح بین المللی نیز پوشش تبلیغاتی دادند. قطری‌ها با این تصمیم هوش مندی و زمان شناسی خود را نشان دادند. این تصمیم آنان را از گرفتار شدن به بسیاری از مشکلاتی که برادرانشان در دیگر کشورهای جزیره عربی مانند امارات متحده عربی و سلطنت عمان بدان گرفتار آمدند، نجات داد

یکی از این پژوهش‌گران می‌گوید: ما در جزیره عربی نیازمند رونوشت برداری از تجربه مصر - یعنی تجربه اخوان المسلمین - نیستیم. زیرا شرایط عینی و واقعی مصر، پیدایش و ظهور جماعت اخوان المسلمین را در سال ۱۹۲۸ توجیه می‌کند ولی مصر در وضعیت کنونی‌اش نیازمند این شکل یا این چار چوب حرکتی نیست. ما می‌گوییم نیازمند قلب یا مرجعیت کار آمد هستیم و نه تشکیلات. ما نیازمند اندیشه راهبردی و فهم وضعیت بومی و اقلیمی و جهانی هستیم و نیازمند تجهیز به ابزارهای کاوش

روشمند و درست و مناسب با عصر و شرایط زمانه خود. از این سخنان و امثال آن روشن می‌شود که تجربه اخوان المسلمین قطر که در سال ۱۹۹۹ پایان یافت، [نشانه] غیرعادی بودن آن است. [الفیسی، ۱۳۸۸: ۴]

بنابراین، تجربه قطر نشان می‌دهد جماعت اخوان بیش از افراد، نیازمند زمینه مساعد برای رشد و دوام است.

اخوان المسلمین در سودان

با توجه به روابط دو کشور مصر و سودان به لحاظ تاریخی، بیشتر اوقات سودان از جریانات تاثیر گذار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مصر متأثر بوده است. با این وجود سودانی‌ها بخصوص در جریان‌های فرهنگی، سیاسی استقلال خود را حفظ کرده‌اند. و گاهی بر مصر اثر گذار هم بوده‌اند.

از گذشته تا کنون دو جریان فکری - سیاسی از مصر به سودان راه یافته است: جریان اول یک اندیشه صوفیانه است که قیام مهدویون «المهدی» ریشه در این جریان دارد. جریان دوم جنبش اسلامی معاصر سودان است که منشا آن اخوان المسلمین مصر است.

جمال السنهوری اولین سودانی بود که به عضویت اخوان المسلمین درآمده و نقش مؤثری در تشکیل هسته اولیه اخوان سودان داشت. [قریشی، ۱۵۷: ۱۳۷۲]

در سال ۱۹۴۵ یک هیئت نمایندگی از دفتر اصلی اخوان المسلمین مصر از سودان دیدار کردند، و با برگزاری نشست‌های مختلف در سه شهر مهم (خرطوم، ام درمان و خرطوم شمالی) به تبلیغ عقائدشان پرداختند. [سید احمد، ۱۳۸۱: ۶۵]

سال ۱۹۴۶ میلادی شعبه‌ای از این حرکت اسلامی در سودان به رهبری علی طالب الله تاسیس شد. بعد از آغاز این حرکت و گسترش آن در سودان، جوانان مسلمان و افراد تحصیل کرده به آن روی آورده‌اند.

در سال ۱۹۴۸ میلادی این تشکل اسلامی با شعار معروف «خدا هدف اصلی ماست، پیامبر رهبر ماست و قرآن دستورمان می‌باشد»، وارد مبارزه علیه انگلستان شد.

در سال‌های ۱۹۵۲ - ۱۹۵۴ م نهضت اخوان المسلمین در سودان قدرت یافت و یک نیروی رسمی و علنی محسوب گردید. با وقوع کودتای نظامی در سودان، تمامی احزاب منحل شدند. نظامیان، ابتدا این تشکیلات را اسلامی و نه سیاسی؛ تلقی کردند و اجازه انتشار روزنامه الاخوان المسلمون را نیز به آن‌ها دادند و حتی یک شماره از این روزنامه در اول دسامبر ۱۹۵۸ میلادی (دو هفته پس از کودتا) انتشار یافت اما به فاصله کمی این نشریه توقیف شد. جمعیت مذکور حرکت سیاسی خود را به تلاش تربیتی تبدیل کرد.

در این ایام برخی از رهبران اخوان المسلمین سودان، که در خارج از کشور بودند به وطن برگشته و مخالفت علنی با حکومت نظامی سودان را آغاز کردند و آنان به افشاگری بر علیه رژیم حاکم بر سودان و اتحاد حزب کمونیست پرداختند و با فراخوانی برخی از شخصیت‌های علمی فرهنگی و نیروهای تحصیل کرده و دعوت از مردم، اعتصاب عمومی تشکیل دادند که هدف آن انحلال شورای نظامی حاکم بود که پس از آن کودتای دیگری در سودان رخ داد. اما حرکت چپ، فرصت طلبانه حکومت را در دست گرفت، هشت وزیر حکومت، کمونیست بودند و تنها یک وزارتخانه در اختیار مسلمانان قرار داشت.

در فوریه سال ۱۹۶۴ میلادی شیخ حسن الترابی بیانیه‌ای انتشار داد که در آن آمده بود: اکنون اخوان المسلمین حرکت سیاسی خود را در جبهه میثاق اسلامی متمرکز می‌نماید. با این اقدام و هماهنگی جمعیت‌های اسلامی در نهم نوامبر ۱۹۶۴م حکومت سودان سقوط کرد و در ۳۱ دسامبر همین سال جریده «الميثاق الاسلامی» ارگان اخوان المسلمین سودان منتشر شد. هدف این نشریه مبارزه با حزب کمونیست و توطئه‌های استکباری و روشنگری مردم برای ایجاد حکومت اسلامی؛ و نیز اعلام هماهنگی و همراهی با اخوان المسلمین مصر و یاری جنبش‌های آزادی بخش مخصوصاً فلسطین، اریتره و چاد بود. این گروه در ماجرای ملی شدن صنعت نفت در ایران، آیت‌الله کاشانی را تأیید کرد و در حوادث بعدی خصوصاً شهادت سیدمجتبی نواب صفوی و یارانش توسط رژیم شاه ایران، از فدائیان اسلام حمایت کردند.

در انتخابات سال ۱۹۶۵ میلادی جبهه «میثاق اسلامی» پیروز گشت و در انتخابات دانشجویان دانشگاه سودان ۴۰٪ از مجموع آراء در اختیار اخوان المسلمین قرار گرفت. کودتای نظامی ارتش در سال ۱۹۶۹م فصل تازه‌ای را در حرکت تشکیلات مزبور گشود و آن را دچار نوسانات و نوعی انشعاب در کادر رهبری ساخت. با روی کار آمدن جعفر نمیری، اخوان المسلمین و حزب «الأمه» سرکوب شدند و تمامی سران آنان زندانی گشتند. رفته رفته اخوان المسلمین نه به عنوان جمعیت و حزب؛ که تشکیل آن غیر قانونی بود، بلکه به عنوان یک کوشش تبلیغاتی کار خود را از نو شروع کرد.

موضع گیری‌های اخوان سودان، در قبال انقلاب اسلامی ایران بسیار صادقانه و اصولی بوده است و شیخ حسن الترابی تنها رهبر بلند پایه اخوان المسلمین که پس از پیروزی این نهضت اسلامی به ایران آمد، خدمت امام خمینی علیه السلام رسید و پیروزی مزبور را به آن رهبر بزرگوار تبریک گفت. [خامه یار، ۱۹۹۷: ۲۳۵] در ماجرای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران وی با اعزام نیروهای سودانی به جنگ، مخالفت ورزید و آخرین مخالفت حسن الترابی با جعفر نمیری در انتقال یهودیان فلاشا از طریق سودان به فلسطین

اشغالی بود. سرانجام خیانت ژنرال نمیری بروز کرد و او به دستور استکبار امریکایی حسن الترابی و یارانش را به زندان افکند و رهبران اخوان در کنار صادق المهدی در انتظار دادگاه نظامی ژنرال عمر الطیب بودند که قیام مسلمانان سودان این دیکتاتور؛ یعنی نمیری را به مصر متواری ساخت [خسروشاهی، بی تا: ۵۷۱، ۵۹۹].

با سقوط دولت سرهنگ نمیری به وسیله کودتای ژنرال سوارالذهب در چهارم آوریل ۱۹۸۵ دولت موقت انتقالی به نخست وزیری دکتر جزولی دفع الله تشکیل شد. [هالت و دالی، ۱۳۶۶: ۲۳۲] با انتخابات آوریل ۱۹۸۶ حزب امت پیروز شد و قدرت به حکومت‌های غیرنظامی همچون دولت صادق المهدی بازگشت. [دکمجیان، ۱۳۸۳: ۳۳۹]

در سال ۱۹۸۹ نظامیان به رهبری ژنرال عمر حسن البشیر دولت غیرنظامی صادق المهدی را سرنگون کردند. حسن الترابی مغز متفکر این کودتا بوده و طی یازده سال شریک و متحد نظامیان در قدرت بود و به عنوان رئیس پارلمان سودان به تحکیم پایه‌های قدرت خویش پرداخت.

شرایط داخلی سودان و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه فشارهای بازیگران منطقه‌ای مصر و لیبی و قدرت‌های فرا منطقه‌ای همچون آمریکا تداوم اتحاد و ائتلاف سیاسی میان البشیر و الترابی را ناممکن ساخت. ژنرال البشیر با بسیج تمام جناح‌ها و شخصیت‌های مخالف سیاست‌های رهبری اخوان المسلمین با یک اقدام وسیع، الترابی را از دایره قدرت دور ساخت و نقش رهبری او در هیأت حاکمه را حذف کرد. پس از برکناری الترابی از ریاست پارلمان در فوریه ۲۰۰۰، وی به خاطر تحرکات سیاسی توسط البشیر چندین بار بازداشت شده است.

سخن پایانی این که اخوان المسلمین سودان دو شاخه عمده دارد:

۱- اخوان المسلمین به رهبری صادق عبدالله الماجد که هوادار پیروی از تشکیلات مصر است. البته رهبری این گروه از مارس ۲۰۰۸ تا اکنون بر عهده دکتر الحبر یوسف نور الدائم است، با این وجود این گروه را با نام الماجد می‌شناسند.

۲- اخوان المسلمین (جبهه اسلامی) به رهبری دکتر حسن الترابی که این شاخه به دلیل همکاری و حمایت از ژنرال عمر البشیر در سودان موثرتر بوده است. [موثقی، ۱۳۷۷: ۲۵۷]

اخوان المسلمین در ایران

همان طور که در مقدمه بیان شد اخوان در ایران هم مشغول فعالیت است که از طریق پایگاه اطلاع رسانی خود فعالیت هایش را اعلام می‌کند. با مراجعه به این پایگاه این گروه را این چنین می‌توان معرفی کرد:

دبیر کل کنونی جماعت، عبدالرحمن پیرانی دانش‌آموخته حقوق و از اساتید و

علمای کرد اهل سنت منطقه روانسر کرمانشاه است. وی در هر دو کنگرهٔ جماعت که در سال‌های ۱۳۸۰ش و ۱۳۸۵ش منعقد شد به اتفاق آرای اعضای کنگره به عنوان دبیرکل جماعت انتخاب شده‌است. وی عضو اتحادیه جهانی علمای مسلمین نیز هست. شعار جماعت دعوت و اصلاح ایران، آزادی، عدالت، برادری و آرمان آن‌ها نیل به رضوان خدا در پرتو قرآن و سنت نبوی است. اعتقاد به اسلام، مذهب اهل سنت، اصل شورا، میانه روی، التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی و تابعیت ایرانی از نکات برجسته مرام نامه آن‌ها است.

ساختار تشکیلاتی این جماعت با شباهت بسیاری که با تشکیلات بین‌المللی اخوان المسلمین دارد عبارت است از:

کنگره (که هر چهار سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد)

شورای مرکزی

دبیر کل

هیات اجرایی مرکزی

بازرسان مرکزی

شرایط عضویت در جماعت:

تابعیت ایرانی، داشتن حداقل ۱۸ سال سن، التزام عملی به تعلیم دین اسلام، گذراندن مراحل تربیتی به تأیید کمیته تربیتی و... [مرام نامه جماعت دعوت و اصلاح ایران]

اشتراکات و تفاوت‌های شاخه‌های مختلف اخوان

در یک نگاه کلان تمام شاخه‌های اخوان المسلمین در مواردی همچون، پابندی به افکار حسن البنا به عنوان موسس و مرشد عام، اعتقاد به تعلیم دین مبین اسلام، شعار «الاسلام هو الحل»، فعالیت مرحله‌ای، ارائه خدمات رفاهی، بهداشتی و آموزشی، دوری از جنگ و اقدامات خشن، شرکت فعال در صحنه سیاسی مثل انتخابات و التزام به تشکیلات مشترکند.

اما به لحاظ بستر اجتماعی، قدرت دولتی، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی حاکم بر کشورها و نیز میزان آگاهی اجتماعی متفاوت هستند. مثلا شرایط در سودان و فلسطین برای اخوان آنچنان مناسب بوده که توانسته‌اند در فرایند دولت سازی مشارکت فعال و اثرگذار داشته باشند. اما در مقابل کشورهایی مثل سوریه، مصر (با این که مهد اخوان است)، عراق به خاطر فشار دولتی و ممنوعیت فعالیت برای احزاب بستر خوبی برای اخوان نبوده. و در بعضی موارد مثل عراق و مصر با شرکت در انتخابات مشروعیت نظام حاکم را تلویحا پذیرفته‌اند.

عمده تفاوت دیگر شاخه‌های اخوان به مرحله عمل آن‌ها و نوع تفکر رهبران شاخه‌ها برمی‌گردد، مثلاً نوع تفکر افرادی همچون دکتر حسن الترابی با امثال شیخ احمد یاسین و رقیبش در سودان یعنی الماجد به لحاظ آشنایی آن‌ها با غرب و اندیشه‌هایش بسیار متفاوت است؛ و این خود عامل مهمی در تند روی، افراط‌گرایی یا تعامل و همکاری شاخه‌های مختلف اخوان المسلمین است. با این وصف وجوه اشتراک جنبش اخوان المسلمین در کشورهای اسلامی بیش از وجوه افتراق آن‌هاست، در عین حال جنبش اخوان المسلمین نتوانسته است با تکیه و تاکید بر این وجوه مشترک و با دور ریختن عوامل تفرقه افکنانه‌ای چون گرایش‌های ملی‌گرایانه در نیل به اساسی‌ترین هدفش یعنی اسلامی کردن جامعه موفق باشد.

نتیجه (نظر و پیشنهاد):

بررسی اندیشه‌ی اخوان نشان می‌دهد در جنبش اخوان المسلمین ظرفیت‌های وجود دارد که می‌توانند با سرمایه‌های فکری و فرهنگی جامعه المصطفی در موارد ذیل تعامل داشته، و به یکدیگر در جهت نیل به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت یاری رسانند.

نزدیکی در آرمان‌های اسلامی، یک فرصت بسیار خوب جهت همگرایی و تعامل محسوب می‌گردد. آرمان حکومت اسلامی برای اخوان از یک سو و تجربه سه دهه حکومت اسلامی در ایران می‌تواند زمینه مناسبی برای بهره‌برداری اخوان از الگوی حکومت اسلامی جمهوری اسلامی ایران باشد. البته به این منظور با بهره‌گیری از سرمایه علمی حوزه و دانشگاه باید الگوی مناسب با فضای فکری اخوان المسلمین ارائه شود.

نفوذ و ارتباط گسترده اخوان با جنبش‌های اسلامی در کشورهای منطقه می‌تواند معبر خوبی برای ایجاد ارتباط با حرکت‌های اسلامی سنی تحت تاثیر اخوان در جهان اسلامی باشد.

با توجه به روحیه مسالمت‌جو و وحدت‌گرایی که در اخوان المسلمین وجود دارد می‌توان موضوع وحدت امت اسلامی را از طریق اخوان بخوبی پیگیری کرد.

با توجه به سابقه طولانی و عمیق مسلمانان مصر در محبت اهل البیت علیهم السلام، و پیشینه حضور مذهب تشیع در مصر، و وجود بقا و اماکن متبرکه مربوط به تشیع (مثل زینبیه علیها السلام و مقبره بی‌بی نفیسه از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام که از اهمیت بسیاری نزد مردم مصر برخوردار است. [الوردانی، ۱۳۸۲: ۱۱۸] در آن کشور در کنار محبوبیت اخوان در میان مردم مصر، ایجاد ارتباط با اخوان می‌تواند زمینه مناسبی برای ترویج مکتب اهل البیت علیهم السلام در آن سرزمین محسوب گردد.

همگرایی و تعامل با اخوان المسلمین می‌تواند سد محکمی در مقابل حضور و رشد وهابیت در منطقه باشد.

سازش ناپذیری اخوان با اسرائیل و آمریکا یک امتیاز و ظرفیت عظیم برای ایجاد همگرایی و تعامل با این جریان محسوب می‌گردد.

موانع همکاری

قطع رابطه جمهوری اسلامی ایران و مصر یک مانع جدی بر سر راه همکار با اخوان در مصر محسوب می‌گردد.

متهم بودن اخوان به ارتباط با مخالفین دولت مصر مانعی دیگر بر سر راه همکاری است.

انشعابات گوناگون و بعضاً تندرو در میان اخوانی‌ها که البته خود نیازمند یک کار علمی جامع در زمینه جریان شناسی اخوان المسلمین می‌باشد نیز مانع محسوب می‌گردد.

تاکید بعضی از اخوانی‌های منطقه بر مسئله شیعه و سنی نیز می‌تواند مانع بالقوه محسوب گردد.

منابع و مأخذ

۱. آقای بهمن و صفوی خسرو، اخوان المسلمین، تهران، رسام؛ ۱۳۶۵
۲. البنا حسن، مجموعه الرسائل، قاهره، دارالشهاب؛ بی تا.
۳. ابو عمرو، زیاد، حماس پیشینه تاریخی سیاسی، مجله الدراسات الفلستینیه، بیروت، شماره ۱۳، زمستان ۱۹۹۳.
۴. جدعان فهمی، أسس التقدم عند مفکری الاسلام، قاهره، دارالشروق؛ ۱۹۷۸ م.
۵. حسینی مختار، برآورد استراتژیک مصر، چاپ اول، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر، تهران؛ ۱۳۸۱
۶. حشیشو نهاد، احزاب سیاسی لبنان، ترجمه: سید حسین موسوی، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه؛ ۱۳۸۰.
۷. الحمد، جواد و ایاد برغوثی، سیری در اندیشه سیاسی حماس، ترجمه: سید حسن موسوی، تهران، نشر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه، ج ۱، ۱۳۸۲.
۸. خامه یار عباس، ایران و الاخوان المسلمین درسه فی عوامل الالتقاء و الافتراق، الطبعة الاولى، بیروت، مرکز الدراسات الاستراجیه و البحوث و التوثیق؛ ۱۹۹۷.
۹. خسروشاهی سید هادی متن سخنرانی در سیزدهمین سمینار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ایران حرکت اسلامی در سودان، گزارش سمینار، جلد هفتم، صفحه ۵۷۱ - ۵۹۹.
۱۰. دوئرتی تری، سوریه، ترجمه: مهسا خلیلی، تهران، ققنوس؛ ۱۳۸۵.
۱۱. دکمجیان هرایر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، حمید احمدی، چاپ چهارم، تهران، کیهان؛ ۱۳۸۳.
۱۲. سید احمد عبد السلام، اسلام و سیاست در سودان معاصر، ترجمه: محمد تقی اکبری، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۸۱.
۱۳. شقاقی فتحی، جهاد اسلامی، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات؛ ۱۳۷۵.
۱۴. عنایت حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: امیر کبیر؛ ۱۳۵۸.
۱۵. کرمی عبدالله، پیروزی ۲۰۰۶ حماس و چشم انداز آینده، قم، بوستان کتاب؛ ۱۳۸۷.
۱۶. میشل ریچارد، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین از آغاز تا امروز، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، دوم، تهران، انتشارات وزارت خارجه؛ ۱۳۸۷.
۱۷. محمد ابراهیم و دیگران، جمعیت اخوان المسلمین مصر، ترجمه: کارشناسان موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران، اندیشه سازان نور؛ ۱۳۸۵.

۱۸. موثقی سید احمد جنبشهای اسلامی معاصر، چاپ دوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت)، ۱۳۷۷.
۱۹. نقوی علی محمد، مقدمه‌ای بر نهضت شناسی، (از حسن البناء تا خالد اسلامبولی)، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور؛ ۱۴۰۱ هـ ق
۲۰. الوردانی صالح، شیعه در مصر از آغاز تا عصر امام خمینی، مترجم: عبدالحسین بینش، اول، بی جا، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی؛ ۱۳۸۲.
۲۱. النفیسی عبدالله فهد، اخوان قطر و تجربه گرائی، مترجم: مجید مرادی، پگاه حوزه، شماره ۲۶۴، ۱۳۸۸.
۲۲. هالت بی. ام - دالی ام. دابلیو، تاریخ سودان بعد از اسلام، ترجمه: محمد تقی اکبری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۶.

۲۳. <http://www.islahweb.org>

۲۴. <http://www.daawa.net>

۲۵. <http://www.ikhwanonline.com>

۲۶. <http://www.ikhwansd.com>